

مقاله پژوهشی:

کاربست روش‌های آینده‌پژوهی در مطالعات امنیتی با تأکید بر تکنیک

سناریونویسی GBN

سید جواد امینی^۱، محسن نوروزی^۲، حسین سلیمی^۳، محمد مبینی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۲

چکیده

آینده‌پژوهی علم و هنر کشف و ساخت آینده است که طی دو دهه گذشته در دنیا پیشرفت چشمگیری را داشته است. آینده‌پژوهی در گروه علوم بین رشته‌ای جای دارد که با در اختیار گذاشتن جعبه‌ابزاری از روش‌ها به پیشرفت سایر رشته‌ها کمک شایانی کند. تکنیک‌هایی که آینده‌پژوهی در اختیار می‌گذارد می‌تواند افق‌های جدیدی را پیش روی امنیت‌پژوهان بگشاید. یکی از این تکنیک‌ها سناریونویسی است که به باور آینده‌پژوهان «توصیف محیط آینده‌های بدیل برای نظم دادن به تفکر در ارتباط با آینده است». سناریوها با توصیف آینده‌های ممکن و محتمل، آینده را اکنون به نمایش می‌گذارند تا تصمیم‌گیران را با معضلات احتمالی و راهکارهای مدیریتی آن‌ها آشنا کنند. هدف این پژوهش نیز تبیین اهمیت و کاربرت روش‌های آینده‌پژوهی با تأکید بر تکنیک سناریونویسی در مطالعات امنیتی است. در این بین روش GBN که یک روش خبره محور و کیفی نگارش سناریو است به نظر پژوهندگان این مقاله اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه با توجه به نوع داده‌های مرتبط با تهدیدات و موضوعات امنیتی، ارائه توصیه‌های راهبردی و تکنیک‌های مربوطه در خلال برگزاری گروه‌های کانونی و جلسات خبرگی، ویژگی‌هایی هستند که نمی‌توانند نادیده گرفته شوند.

کلیدواژه‌ها: مطالعات امنیتی، روش‌شناسی، آینده‌پژوهی، سناریو

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (نویسنده مسئول) sjamini20@gmail.com
۲. دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
۳. دانشجوی دکتری دوره اول پژوهش محور امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
۴. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

مقدمه

روش‌شناسی مطالعات امنیتی به معنای امروزی آن قدمت چندانی ندارد و پیشینه آن به دهه‌ی هفتاد شمسی در کشور بازمی‌گردد. در عین حال به نظر می‌رسد استفاده از روش‌شناسی‌های جدید در معنای گسترده آن و با توجه به مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و روش‌شناسی یک پارادایم، موضوعی درخور توجه است که به اندازه کافی در مطالعات راهبردی مورد توجه قرار نگرفته است.

یکی از عوامل تعیین‌کننده در حوزه مطالعات امنیتی، عنصر زمان است. شناخت آینده و اقدام به موقع، رمز موفقیت در عرصه تصمیم‌گیری‌های امنیتی - راهبردی به شمار می‌آید. در دوران کنونی، مطالعه درباره آینده و تلاش برای پیش‌بینی آن، روندهای موجود و ویژگی‌های روندها و پدیده‌های نوظهور و در ادامه آن، ساختن آینده به دست انسان، از ویژگی‌های اصلی برنامه‌ریزی‌های امنیتی است (مبینی، ۱۳۹۷: ۲۳).

فقر روش‌شناختی مطالعات امنیت به‌ویژه در حوزه آینده‌پژوهی و آینده‌شناسی مشهود است؛ مواردی مانند پیشگویی جامعه‌شناسان، استفاده از تکنیک‌های مختلف آینده‌پژوهی و یا گرت‌برداری از دیگر کشورها برای پیش‌بینی آینده امنیت به اشتباهاتی مرسوم در انتخاب روش و ابزار تحقیق مناسب بدل شده‌اند که خود ناشی از عدم درک روش‌شناسی مناسب در تحقیقات امنیتی است. همچنین، آینده‌پژوهی بیش از آنکه مبحثی محتوایی باشد ناظر بر مسائل «روشی» است و به شدت از نظام ارزشی و نگرشی آینده‌پژوهان تأثیر می‌پذیرد (زالی، ۱۳۹۲: ۲۳).

با توجه به روند فزاینده ناپایداری‌ها، عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های محیطی، ماهیت و مظاهر مسائل امنیتی به لحاظ کشف و شناخت دچار تحول و تطوری مضاعف شده‌اند که حل و انکشاف علمی آن‌ها، به ضرورت پژوهش درباره آینده و به صورت ویژه خلق و توسعه روش‌شناسی رایج در این زمینه اهمیت بیشتری داده و آینده‌پژوهی به جزء جدایی‌ناپذیر مطالعات امنیتی تبدیل شده است. هدف اصلی این پژوهش تبیین کاربست آینده‌پژوهی و سناریوپردازی در مطالعات امنیتی است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۱. امنیت و اهمیت مطالعات امنیتی

در ارتباط با نقطه عزیمت تاریخی پیدایش مطالعات امنیتی، می‌توان دو دیدگاه اصلی را از یکدیگر تمیز داد: اول، گروهی که به علت اهمیت و حساسیت «امنیت» در اندیشه و عمل سیاسی، قائل به اولویت‌بخشی آن بر مطالعات روابط بین‌الملل بوده و همچون «جرویس» بر این باورند که: روابط بین‌الملل بخشی از حوزه مطالعاتی وسیع‌تری به نام امنیت‌پژوهی است که سابقه‌ای به درازای حیات اجتماعی-سیاسی انسان بر روی کره خاکی دارد. «میشل مان» در همین ارتباط مدعی شده است که اگر شما مفاهیم و اصطلاحات امنیتی را از حوزه مطالعاتی روابط بین‌الملل خارج نمایید، دیگر چیزی برای بحث کردن در این حوزه باقی نمی‌ماند. گروه دوم بر رویش مطالعات امنیتی از درون حوزه «روابط بین‌الملل» تأکید دارند (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳: ۲۳). از زمان انقلاب کبیر فرانسه و ظهور ایالات متحده آمریکا به عنوان یک دولت مستقل، جهان؛ پنج نوع نظم جهانی را تجربه کرده است: دوره ناپلئونی؛ نظم کنگره وین، کوشش‌های آلمان برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی؛ عصر جامعه ملل؛ دوران جنگ سرد و اکنون نظم نوین جهانی. روند شکل‌گیری هر یک از نظم‌های یادشده با دوران گذار همراه بود و سال‌ها به طول انجامیده است. هر یک از دوره‌ها دارای تهدیدهای متناسب با شرایط زمانی و نظم حاکم بر آن بوده است، ولیکن امروز تعریف فضای امنیتی بر اساس تهدیدهای کاملاً جدید تعریف می‌شود و حاصل زایش‌های فکری پژوهشگران در حوزه امنیت ملی است.

ماندل بر این باور است که در جهان پس از جنگ سرد، امکان دارد برخی از بزرگ‌ترین خطرهای جهانی، حاصل برنامه‌ریزی تجاوزکارانه، آگاهانه، عقلانی و عمدی دشمنان ملی مشخص و شناخته‌شده نباشد. تهدیدهای غیرعمدی اغلب می‌تواند ناامنی گسترده‌تر و شدیدتری در قیاس با تهدیدهای عمومی پدید آورد. به‌طور کلی، تهدیدها پدیدآورنده تصویری واقعی از خطرات مشترک هستند (ماندل، ۱۳۸۷: ۶۰). به این ترتیب می‌توان گفت که تأمین امنیت و راه‌های دستیابی به آن از جمله سنگ بناهای شکل‌گیری واحدهای

سیاسی از نگاه تاریخی بوده تا از این طریق اعضای جوامع مذکور بتوانند به کمک یکدیگر به مهم‌ترین نیازشان در تأمین امنیت، دست پیدا کنند؛ اما آنچه در جوامع اولیه و حتی تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح می‌شد، دیدگاهی محدود به امنیت بود، به گونه‌ای که تمرکز بحث امنیت صرفاً بر موضوعات نظامی بوده و یک نوع نگاه تقلیل‌گرایانه را نسبت به امنیت تداعی می‌کرد؛ در این حالت تحلیلگران، امنیت را در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگ‌ها جستجو می‌کردند؛ اما البته امروز امنیت دیگر محدود به آرامش پس از جنگ‌های ویرانگر و توانایی نظامی نشده، بلکه به تمام سطوح زندگی مدرن انسان‌ها راه یافته و از همین سبب است که بر تعریف جدید امنیت یعنی «امنیت فراگیر» تأکید می‌گردد (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳). با این همه یکی از مشکلات اصلی امروز در باب امنیت چیستی آن است (تریف، ۱۳۸۳: ۹). اگر بخواهیم کمی فلسفی به موضوع بنگریم به مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تحلیل‌گر و یا مبانی جهان‌بینی وی خواهیم رسید، این به آن معنی است که اگر با نگاه اثبات‌گرایان به تحلیل پردازیم و بین سوژه و ابژه استقلال قائل باشیم، واقعیت را صرفاً موضوعی بیرونی می‌دانیم که خود را از بیرون به ذهن فاعل شناسا تحمیل می‌کند؛ از جمله امنیت صرفاً عینی است و اینجا است که مفهوم ذهنی امنیت مغفول واقع می‌شود و در طرف مقابل هم اگر با نگاه تفسیرگرایانه محض به امنیت بنگریم و واقعیتی نظیر امنیت را صرفاً ذهنی بدانیم که ساخته و پرداخته ذهن فاعل شناسا یا ابژه است، امنیت صرفاً ذهنی است و مفهوم عینی آن مورد غفلت واقع شده و بدیهی است در هریک از این حالات، تعریف با توجه به فرآیند ادراک‌سازی و ذهن کنشگر و یا محقق تعریف خواهد شد. جالب اینکه روش تعریف و روش‌شناسی مواجهه با موضوع و تحلیل، آن هم برآمده از همین مبانی خواهد بود. هاف^۱ معتقد است به دنبال دسترسی علم و تاریخ به افق تازه‌ای در مقام تجزیه و تحلیل که از آن به روش‌شناسی یا متدلوژی یاد می‌شود، تحول تازه‌ای در یافته‌های انسان رخ داد که تصاویر متفاوت از علم از جمله آن‌هاست (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۵).

۲. روش‌شناسی مطالعات امنیتی با تأکید بر آینده‌پژوهی

سیر تطور روش‌شناسی امنیت را می‌توان با سیر تطور علم هم‌دوره برشمرد. اثبات‌گرایی با تأکید بر اصول عینیت، وحدت معنا، تجربه و تفکیک بین «سوژه و ابژه» که نتیجه تلاش اندیشه‌ورزان حوزه علوم انسانی و اجتماعی و سنگ بنای مطالعات امنیتی بوده که به فراخور تطور در علوم انسانی، مبانی شناخت و معرفتی مطالعات امنیتی نیز تغییر نمود. ریشه تفکرات این نحله را باید در حلقه وین یعنی ردلف کارنپ، اوتو نویرات و مریس شلیک یافت (بل، ۱۳۹۲: ۳۵۹). توجه ویژه به مفهوم عینی امنیت در اثبات‌گرایی و تحلیل امنیت بر اساس تهدیدات عینی، موضوعی است که به‌سادگی نمی‌توان از آن عبور کرد و همین امر باعث شده امروزه نیز به‌رغم پیشنهادی نظریه انتقادی اندیشه‌ورزان حوزه امنیت، هنوز اثبات‌گرایان به تحلیل امنیت و تهدید پرداخته و یا لاقلاً نتوان جنبه عینی امنیت را نادیده انگاشت. در قرن نوزدهم میلادی، نشانه‌هایی از نخستین مخالفت‌ها با اثبات‌گرایی دیده شد. کسانی که کشف و شهود را برتر دانسته معتقد بودند «استدلال آگاهانه پوزیتیویستی، باید جای خود را به آمیزه‌ای از فرآیندهای عقلانی و نفسانی می‌داد» (بل، ۱۳۹۲: ۳۶۲). پس از اثبات‌گرایان، فلاسفه تفسیری، با تحلیل تصورات و ذهنیات، سعی در باز کردن گره‌هایی داشتند که با معرفت‌شناسی حسی و عینی‌گرایی قابل حل نبود. بدین ترتیب با استعانت از آراء بزرگانی چون «راسل، مور و ویتگنشتاین» مکتب تفسیری بلوغ یافت (افتخاری، ۱۳۸۳: ۷۶). البته باید دقت داشت که امنیت در مکتب تفسیری مفهومی «عملی» است، چراکه سیاست‌های امنیتی هر واحد سیاسی، مبتنی بر «اهداف» و «اغراض» از پیش تعیین شده است. رمزگشایی این کلام با دقت در این نکته انجام خواهد شد که اعمال فاعل ریشه در نیت و زمینه عمل دارد و به عبارت بهتر آنچه می‌بینیم با فهم انگیزه بازیگر میسر و تحلیل آن با درک زمینه‌های بروز رفتار کنشگر روشن خواهد شد (همان، ۹۶). برخی صاحب‌نظران معتقدند مکتب انتقادی قوی‌ترین و منسجم‌ترین نگاه به مطالعات امنیتی است چراکه در باب معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و هستی‌شناسی از ویژگی‌های پارادایم‌های پوزیتیویستی و تفسیری به شکل قابل قبولی بهره می‌جوید. مطالعات امنیتی انتقادی بخشی از دانش

اکتشافی و تجربی نوپایی است که به باور اشلی و واکر «از محدودیت‌های خودسرانه تخطی کرده» گره‌های کور را باز کرده و قادر به ساخت و اشاعه طرق جدیدی از شناخت و اجرای سیاست است (Asheley and walker, 1990:264).

محورهای اصلی رویکرد امنیتی و برنامه پیشنهادی مکتب انتقادی عبارت‌اند از:

۱. طرح فرد به مثابه مرجع اصلی امنیت در عرصه روابط و معادلات امنیتی. از این منظر نارضایتی ناشی از محرومیت فردی، زمینه‌ساز بروز بی‌ثباتی در حوزه داخلی می‌شود.
۲. پویایی امنیت: ثبات و امنیت در درون یک پروسه و یک سیکل مستمر، معنا می‌یابد که در آن امنیت معادل سکون تلقی نمی‌شود.
۳. هرمنوتیکال بودن امنیت: امنیت از منظر انتقادی مقوله‌ای زمینه‌وند به شمار می‌آید که برای درک معنای آن لازم است بستر اجتماعی به مثابه فضای اصلی مولد امنیت مورد توجه قرار گیرد.

برنامه پیشنهادی مکتب انتقادی برای طراحی استراتژی امنیتی که مبتنی بر سه اصل بنیادین است:

اول. آگاهی: برای ارتقای ضریب امنیتی جامعه و افزایش میزان رضایتمندی نزد بازیگران، ارتقاء سطح آگاهی بازیگران در خصوص شناخت وضع موجود، اصلاح وضع مطلوب، خواسته‌های اصیل و راه‌های وصول به وضع مطلوب، ضروری است.

دوم. ابزارانگاری: عالمان علوم اجتماعی می‌توانند با بهره‌مندی از مجموعه قوانین شبه‌علی، برای تغییر وضعیت و افزایش رضایتمندی بازیگران بهره‌جویند.

سوم. مردم‌سالاری: امر سیاست‌گذاری و اداره امور جامعه اگرچه فعالیتی تخصصی است، اما بدون حضور توده مردم، به صورت رضایت‌بخشی صورت نمی‌پذیرد و زمینه بروز ناآرامی را فراهم می‌آورد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

واقع‌گرایی انتقادی نوعی معرفت‌شناسی پساپوزیتویستی و پساکوهنی است که بخشی از گفتمان انتقادی به شمار می‌آید (بل، ۱۳۹۲: ۴۲۴). از این حیث و با توجه به جامعیت روش‌شناسی انتقادی که با تکیه بر مزیت‌های معرفت‌شناسی اثباتی و تفسیری تلاش نموده

شناخت بهتری از امنیت و تهدید ارائه نماید و معرفت حسی را مورد توجه قرار دهد، این پژوهش تلاش نموده تا با ایجاد پلی بین آینده‌پژوهی که بر مبانی معرفت‌شناسی واقع‌گرایی انتقادی استوار شده و مطالعات امنیتی که با ابتناء بر نگرش انتقادی مطالعه و تحلیل جامع‌تری را تجربه می‌کند، نگاه بهتری بر موضوعات امنیت و تهدید بیندازد. واقع‌گرایان انتقادی معتقدند اگرچه بسیاری از جنبه‌های واقعیت برای همیشه فراتر از سطح مشاهده و ادراک بشر باقی خواهند ماند، اما علم بر این پیش‌فرض استوار است که واقعیت جهان، نقشی سرنوشت‌ساز در دستاوردهای علم داشته و بشر می‌تواند در قلمرو حواس و ادراک خود، شناختی از حقیقت به دست آورد که هرچند غیر مطلق و خلل‌پذیر، مبتنی بر حدس و گمان، مشروط، تصحیح‌پذیر، احتمالی، مبتنی بر قضاوت‌های کیفی و متأثر از پیش‌فرض‌های پژوهشگر است اما امکان صدور گزاره‌های موجه را دارد و این امر امکان تصدیق صدق و کذب گزاره‌ها را فراهم می‌آورد (بل، ۱۳۹۲: ۳۷۸). بر اساس واقع‌گرایی انتقادی که این پژوهش بر آن تأکید دارد، به دست آوردن معرفت در باب جهان خارج امکان‌پذیر است و در باب جهان خارج دو ادعا دارد: جهان خارج مستقل از ما وجود دارد و معرفت به این جهان آن‌گونه که هست، امکان‌پذیر است.

این مدل از آن جهت انتقادی است که قائل است معرفت معتبر به جهان خارج، تنها از طریق تأملات انتقادی بر تجاربی که از جهان داریم به دست می‌آید (قائمی‌نیا، ۱۳۸۸). ضمن آنکه مکتب انتقادی اعتقاد دارد این انسان‌ها ایند که جهان را می‌سازند و واقعیات بیرونی خود را به انسان‌ها تحمیل نمی‌کنند. رهیافت امنیت انتقادی معتقد است که اندیشه‌ها و تعاملات میان انسان‌ها، نیروهای محرکه‌ای هستند که جهان را شکل می‌بخشند (افتخاری، ۱۳۸۳: ۱۲۸) و البته توجه به امنیت ذهنی و توجه به هویت در مشخص نمودن مرز خود و دیگری و اهمیت آن در تفسیر تهدیدات امنیتی، فوق‌العاده راهگشا بوده و مکرراً از سوی تحلیلگران مورد استفاده قرار گرفته است. واقع‌گرایی انتقادی از آن جهت واقع‌گرایانه است که اعتقاد دارد واقعیت مستقل از تعابیر بشری وجود دارد که مستقل از معرفت ما بوده و حواس، خاستگاه باورهای معقول و البته معرفتی غیرقطعی است و

همچنین از آن جهت انتقادی است که بر راهبرد ابطال تأکید می‌کند؛ یعنی واقع‌گرایان انتقادی گزاره‌ها را نقد می‌کنند و در راه ابطال آن‌ها می‌کوشند؛ بنابراین تنها گزاره‌هایی که ابطال نشوند شایسته باور خواهند بود، درعین حال ظرفیت‌های حسی و عقلانی بشر را ناکافی می‌داند و معتقد است عقل و حس بشر اغلب نمی‌توانند روابط علی معتبر را به درستی تشخیص دهند (بل، ۱۳۹۲: ۳۸۵-۳۸۴)؛ یعنی معرفت حدسی را امکان‌پذیر دانسته و این امر نقطه اتکای آینده‌پژوهان به شمار می‌رود.

۳. آینده‌پژوهی و کاربردهای آن در مطالعات اجتماعی:

انسان همواره بر اساس کشش درونی، شیفته کشف آینده و رمزگشایی از آن بوده است. این پرسش‌ها که «آینده چگونه قابل پیش‌بینی است؟» و آیا «آینده تداوم حال و گذشته خواهد بود؟» تاکنون چالش عمده فکری برای برنامه‌ریزان و مدیران بوده و در این مدت، برنامه‌ریزان، متناسب با شرایط زمانی و مکانی، رویکردهای مختلفی در جهت برخورد با مسائل آینده به کار برده‌اند که به‌طور عمده بر پایه تحلیل روندهای گذشته و ادامه روند وضع موجود بوده است. امروزه، علم آینده‌پژوهی، ادبیات پراکنده و غیر منسجم در خصوص برنامه‌ریزی برای آینده را به علم مدون با اصول و مبانی متقن تبدیل کرده که وظیفه آن، علاوه بر تحلیل روندهای گذشته، کشف، ابداع و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب می‌باشد (زالی، ۱۳۹۰: ۳۴). آینده‌پژوهی به مراحل اولیه تفکر سیستم‌ها در دهه ۱۹۴۰ بازمی‌گردد، زمانی که به‌طور اساسی به تحلیل امنیتی و راهبردی مرتبط بود (مایترز و رگر، ۱۳۸۸: ۶). ارزش آینده‌پژوهی بیش از آنکه به درستی پیش‌بینی‌ها باشد، به مفید بودن آن در برنامه‌ریزی و گشودن ذهن‌ها برای توجه بیشتر به فرصت‌های نوپدید و تغییر دستور کارهای سیاستی است (گلن، ۱۳۹۳: ۲۷). آینده‌پژوهی می‌کوشد تا نیروهای حال و آینده را شناسایی کند تا تصمیم‌های بهتری بگیریم (همان: ۳۵). یک انگیزه‌ی مهم برای کار آینده‌پژوهی برآورد تغییر و آمادگی برای روبه‌رو شدن با آینده است. اسلاوتر اعتقاد دارد آینده‌پژوهی پیش‌گویی نیست، به دنبال آن هم نیست، بلکه به شناخت مخاطرات مربوط

می‌شود چراکه همواره عواملی وجود دارد که تصمیمات روزمره ما را در معرض مخاطره قرار می‌دهد (اسلاوتر، ۱۳۸۶: ۶۱).

آینده‌پژوهی علم و هنر کشف و ساخت آینده نیز هست. در این تعریف رسا، سه مؤلفه کلیدی وجود دارد. اول آنکه آینده‌پژوهی تنها یک علم صرف نیست، بلکه تلفیقی از علم و هنر است. مؤلفه مهم دیگر اشاره به «کشف آینده» است، در واقع در اینجا تأکید بر شناسایی و کشف آینده بر مبنای روابط علی و معلولی معینی است. اینجا سخن از حدس و گمان بر مبنای جهل و ناآگاهی نیست، بلکه شناخت بر اساس روند داده‌های گذشته، شناسایی سیگنال‌های تغییر کنونی و وضعیت‌های محتمل و قابل رخ دادن در آینده است. مؤلفه سوم و بسیار حائز اهمیت در این تعریف، شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است. این مؤلفه کلیدی نشان‌گر آن است که آینده‌پژوهی درصدد است تا پا را فراتر از پیش‌بینی و کشف آینده گذارده و بر شکل دادن به آینده تأکید نماید؛ آینده‌ای که مدنظر و مطلوب برنامه‌ریزان آن باشد، به دیگر سخن، ساختن آینده به گونه‌ای که مطلوب و دل‌خواه است (ملکی‌فر و همکاران، ۱۳۸۵: ۷). البته برخی دیگر از صاحب‌نظران این عرصه اعتقاد راسخ دارند که هدف غایی آینده‌پژوهی، پیش‌بینی آینده نیست بلکه تعالی دنیای آینده است (کورنیش، ۱۳۸۸: ۹۷). این عمل‌گرایی آینده‌پژوهان، آن‌ها را قاطعانه در زمره فعالان عرصه اجتماع قرار می‌دهد. اقدام اجتماعی بنا به تعریف، در محیط اجتماعی رخ می‌دهد و از واکنش‌های دیگران متأثر می‌شود. اقدام اجتماعی پدیده اجتماعی است و در سایه‌ی سیاست‌گذاری و سیاست‌گزاری تحقق می‌یابد (بل، ۱۳۹۲: ۳۳۶). ظاهراً آینده‌پژوهان درباره این موضوع اختلاف‌نظر چندانی ندارند و اغلب درباره غالب بودن صبغه اجتماعی در فعالیت‌های این حوزه اتفاق نظر دارند. آینده‌پژوهان اعتقاد دارند هنگام اندیشیدن به آینده باید به شش مقوله توجه نمود:

- شناسایی و ارزیابی آینده‌های بدیل؛

- تعیین میزان عدم قطعیت هریک از موارد احتمالی و آینده‌های بدیل؛

- شناسایی حوزه‌های کلیدی؛

- ارزیابی شمار زیادی از پرسش‌ها مبنی بر اگر این‌گونه شود چه می‌شود؟

-درک فرآیندهای زیرین تغییر؛

-آشکارسازی و تعیین دقیق حدود دانش و درک ما از موارد مرجح (فولز، ۱۳۹۱: ۴۳).

۴. سناریوپردازی و روش کیفی شهودی:

مقصود از تعریف سناریوها، انتخاب فقط یک آینده مرجح و آرزوی به حقیقت پیوستن آن یا پیدا کردن محتمل‌ترین آینده و سعی در تطبیق با آن نیست، بلکه قصد اصلی، اتخاذ تصمیم‌هایی استراتژیک است که برای «همه آینده‌های ممکن» به اندازه کافی خردمندانه و پابرجا باشند. اگر هنگام تدوین سناریوها تفکر جدی صورت گیرد، آنگاه مهم نیست که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، زیرا دولت، شرکت یا سازمان، در مقابل «هر اتفاقی» آماده است و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تأثیرگذار باشد. در برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، تلاش می‌شود بر اساس فهم دلالت‌های انتخاب‌های امروز، راه‌های اثرگذاری بر پیامدهای آتی این انتخاب‌ها در آینده کشف شوند (علیزاده، وحیدی مطلق، ناظمی، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۴). از بین روش‌های آینده‌پژوهی به یقین سناریونویسی جایگاه ویژه‌ای دارد، بسیاری سناریونویسی را قلب و مرکز آینده‌پژوهی می‌دانند و اعتقاد دارند سناریونویسی فن کلیدی جهت تمایزگذاری بین کار آینده‌پژوهان حرفه‌ای از دیگر مشاغل مرتبط با آینده است (بیشاپ و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۷). وندل بل نیز معتقد است سناریونویسی برای آینده‌پژوهی وحدت و یگانگی به ارمغان می‌آورد (بل، ۱۳۹۲: ۴۳۱).

وی اعتقاد دارد تمامی روش‌های آینده‌پژوهی می‌توانند به تدوین سناریو بیانجامند و سناریو را می‌توان روشی برای خلاصه‌سازی دستاورد تلاش‌های آینده‌پژوهی دانست؛ خواه این دستاوردها بر پایه روش‌های کمی استوار باشند که به پیش‌بینی‌ها و تسری‌های دقیق اما محدود می‌انجامند، خواه بر پایه روش‌های کیفی که از آینده‌ی تمامی جوامع و تمدن‌ها، تصویرهای بدیل فراگیر ارائه می‌دهند (همان: ۵۴۷). او حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و می‌گوید: «دستاورد تمامی روش‌های آینده‌پژوهی اساساً یکسان است: سناریو؛ داستانی درباره آینده...» (بل، ۱۳۹۲: ۵۴۹).

پیتر شوارتز سناریو را «ابزاری برای نظم بخشیدن به دریافت‌های ذهنی درباره محیط‌های آینده بدیل که در آن تصمیمات می‌توانند به اجرا گذاشته شوند» می‌داند. سیمپسون آن را «فرآیند ساخت آینده‌های بدیل محیط بیرونی یک کسب‌وکار» خوانده است. بلوم و منفی سناریو را «توصیفی از یک آینده ممکن و یا محتمل خوانده‌اند». کالینز آن را «یک جهش خیال‌پردازانه به سوی آینده» دانسته، شومیکر آن را «یک روش‌شناسی سازماند اصولی برای ترسیم آینده‌های ممکن که در آن تصمیم‌های اجرایی می‌توانند به اجرا درآیند» دانسته است (چرماک، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۵). سناریوها داستان‌های بدیل چگونگی ظاهر شدن آینده هستند. آن‌ها پیش‌بینی‌ها یا پیش‌نگری‌ها نیستند، اما داستان‌های قابل اعتماد، منسجم و چالش‌برانگیز جهت کمک به تمرکز بر روی عدم قطعیت‌های حیاتی و درک توازن نیروهای شکل‌دهنده به آینده هستند (وندرهیدن و شارپ، ۲۰۰۷: ۸۶).

سناریوها، آینده‌های احتمالی مختلف را برای راهبردنویسان ترسیم می‌کنند ولی به پیش‌بینی آینده نمی‌پردازند. هدف سناریوها در سطحی ورای حالت موجود قرار دارد و به‌خودی‌خود در مورد هدف خود صحبت نمی‌کند. سناریوها، به‌عنوان یک فن اصلی و پایه برای مطالعات آینده‌پژوهی، از مدت‌ها قبل به‌عنوان ابزارهایی نیرومند برای کمک به روند تصمیم‌گیری در قبال عدم قطعیت آینده، مورد استفاده‌ی برنامه‌ریزان دولتی، مدیران شرکت‌ها و تحلیل‌گران نظامی بوده‌اند. در عمل، سناریوها به مجموعه‌ای از داستان‌ها که بر اساس طرح‌هایی که با دقت ساخته شده‌اند، شباهت دارند.

بر اساس دیدگاه میلت، تحلیل سناریو دارای دو هدف است. نخست، پیش‌نگری آینده به‌منظور اتخاذ تصمیم‌های بعدی و هدف دوم ارزیابی گزینه‌های راهبردی در مقابل سناریو است (سیهاک و موزل، ۱۳۸۹: ۲۸).

منابع موجود، شمار زیادی از تعاریف، ویژگی‌ها، اصول بنیادین و ایده‌های روش‌شناختی متفاوت و مخالف را نشان می‌دهند تا واژه‌ی سناریو مفهومی با تعریف دقیق نیست. اغلب، منطق شهودی سناریوسازی، متداول‌ترین تکنیک‌های سناریوسازی در منابع موجود است، وظایف تصریح‌شده‌ی فرآیند کار سناریوسازی به‌طورکلی در گروه‌های

تسهیل شده انجام می‌شوند که در اصل گروه‌های خلاق و با اتکای سنگین به قضاوت‌های ذهنی و فردی یا شهود نظم‌یافته اعضای گروه است (برادفیلد، ۲۰۰۷: ۲۳۷).
از دیدگاه روش شناختی، سه نوع برنامه‌ریزی بر اساس سناریو شناخته شده‌اند:

۱-۴. منطقی شهودی

این منطقی نخستین بار توسط پیپر واک (۱۹۸۵ م) توصیف شد و تکنیک شبکه‌ی جهانی کسب‌وکار (GBN)^۱ توسط شرکت شل توسعه یافت و بهترین شیوه برای استفاده از هرگونه اطلاعات در دسترس پیرامون آینده است و در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

- ساده و غیر پیچیده؛

- قابل استفاده بودن برای اغلب سازمان‌ها با فرهنگ‌های مختلف؛

- تدوین منعطف و نامتناقض در برابر حوادث آینده؛

- تشویق افراد به خلاقیت بیشتر در تولید ایده‌های جدید؛

- استفاده بهینه از اطلاعات موجود در زمینه آینده؛

- کمک به شناسایی الگوهای زیربنایی و ساختاردهنده به حوادث؛

- ایجاد درگیری و احساس مسئولیت شرکت‌کنندگان؛

- درگیر کردن شرکت‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های اصلی در سازمان؛

البته روش یادشده دارای ایراداتی نیز هست از جمله؛ وابستگی بیش از حد به افراد خبره و صاحب‌نظر، تأکید بیش از حد بر یادگیری و ارتباطات افراد، نداشتن تحلیل‌های کمی موضوعات، تأکید بر حضور مدیران کلیدی، تأکید اندک بر اندرکنش عوامل مؤثر (شوآرتز، ۱۳۹۰). از ویژگی‌های دیگر رویکرد کیفی سناریونویسی کمک به ارائه راهبرد برای تصمیم‌گیری بهتر است. از آنجایی که این رویکرد ابتناء بر شهود خبرگان دارد می‌توان در خلال جلسات خبرگی با توصیف و تحلیل شرایط محیطی به ارائه راهبرد اقدام نمود و از این نظر برای محیط‌های آینده بدیل می‌توان دستور کارهای مختلفی برای شرایط محتمل

در اختیار داشت؛ موضوعی که مزیت قابل توجهی به شمار آمده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

۲-۴. تحلیل اثر روند

این روش توسط گروه آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد و ترکیبی از برآوردهای آماری با احتمالات است و آخرین نسخه آن متعلق به گوردون (۱۹۹۶ م) است. روش‌شناسی آن دارای مزیت و قابلیت فرمول‌بندی شدن است و هم‌زمان به هیچ‌وجه مانع از تفکر خلاق نمی‌شود. چراکه انتخاب عوامل تأثیرگذار بر توسعه‌ی یک روند، در اساس، یک رویه و مسیر خلاق دارد؛ اما تحلیل روند، دارای کمبودها و نواقص خاص خود است. تنها هنگامی می‌توان از آن استفاده کرد که داده و اطلاعات سری‌های زمانی طولانی‌مدت، همراه با جزئیات و قابل اعتماد باشد و پژوهشگرانی که از این اطلاعات استفاده می‌کنند دارای زمینه و دانش کافی در نظریه‌ی احتمال و آمار باشند. به این دلیل، اقلیت کارشناسان از این روش استفاده می‌کنند (مایتنر و گویدو، ۱۳۸۸: ۱۶).

۳-۴. تحلیل اثر متقابل

این روش توسط بتل با BASIC (ورودی‌های سناریو بتل به راهبردهای واحد) مورد استفاده قرار گرفته و تا حد زیادی به گوده (۱۹۸۷ م) مدیون است و احتمالاً روش‌شناسی آن دارای مستقیم‌ترین ارتباط با کاربرد سناریوها است. مزیت عظیم این روش آن است که به میزان زیادی فرمول‌بندی می‌شود و در نتیجه امکان کنترل فرآیند را می‌دهد. عیب و نقص آن به این نکته بازمی‌گردد که اگر در حدود و چارچوب‌های مشخص انجام نگیرد، فرمول‌بندی آن از کنترل خارج شده و مفید بودن و قابلیت اتکا به محتوای آن از بین می‌رود. شمار زیادی از کارشناسان نسبت به این روش دیدگاهی کاملاً مثبت دارند و خاطر نشان می‌سازند که اغلب نقطه‌ی مناسبی برای ورود و آغاز به کار با سناریوهاست و موجب برانگیخته شدن علاقه‌مندی افراد با پیش‌زمینه‌های مختلف شده و برای انگیزش ایده‌های جدید، حتی اگر برون‌یابی‌ها و تعمیم‌ها صورت گیرد، بسیار خوب

است. (مایترز و گویدو، ۱۶:۱۳۸۸). تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز از روش‌های آینده‌پژوهی انجام شده که رویکردهای استقرایی، استنتاجی و فزاینده از آن جمله است (پدرام، ۱۳۹۴: ۱۸۴).

مرحل ن‌گارش سناریو با رویکرد شبکه کسب‌وکار جهانی (GBN)

مرحله نخست، شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی

مرحله دوم، شناسایی و مطالعه نیروهای کلیدی؛

آغاز کار آینده‌پژوهی، به‌ویژه نگارش سناریو «دیده‌بانی» یا پوشش و پایش محیطی است. به‌مثابه چشم فعالیت آینده‌پژوهی در چهار گام داده‌های مورد نیاز برای پیشبرد کار را فراهم و فقدان فعالیت آینده‌پژوهی را با شکست مواجه می‌نماید.

گام اول: تعیین حیطه و عمق پویش محیطی؛

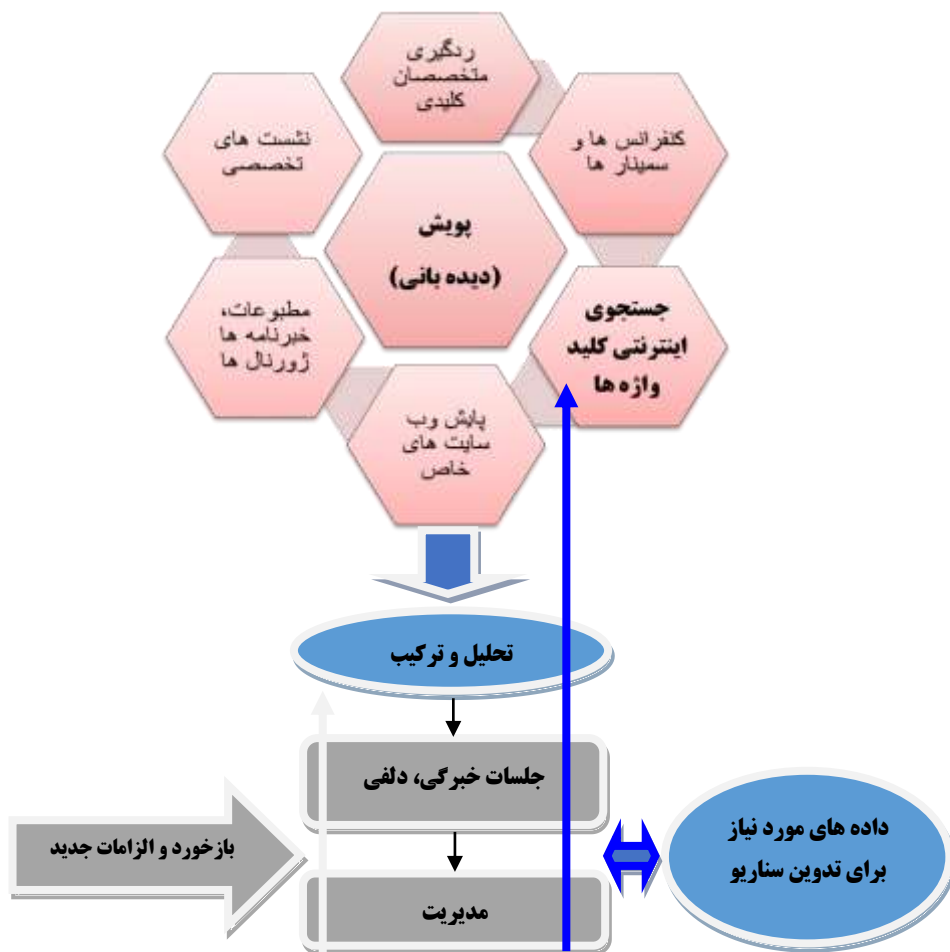
گام دوم: کشف و خلق منابع دانشی و ابزارهای بهره‌برداری؛

گام سوم: بهره‌برداری از منابع دانشی؛

گام چهارم: تحلیل داده‌ها.

مرحله سوم، با کاربست ذهن‌انگیزی، مطالعه ادبیات، تشکیل گروه‌های کانونی و نیز مصاحبه با خبرگان برای یافتن نیروهای پیشران در کلان محیط اقدام می‌شود. پیشران‌ها نیروهایی‌اند که بر پیامد رویدادها تأثیر دارند. به‌عبارت‌دیگر عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام داستان را مشخص می‌کنند. پیشران ناظر به کنش کنشگران است، به‌گونه‌ای که بالقوه و یا بالفعل توانایی ایجاد تغییر گسترده را داشته باشند. STEEP که سرواژه‌ی پنج واژه‌ی اجتماعی^۱، فناورانه^۲، اقتصادی^۳، زیست‌محیطی^۴ و سیاسی^۵ است؛ یکی از چارچوب‌هایی است که در قالب آن به دسته‌بندی نیروهای پیشران و عوامل کلیدی می‌پردازند.

1. Social
2. Technological
3. Economica
4. Environmental
5. Political



شکل شماره (۱)؛ سامانه دیده‌بانی شناسایی و مدیریت تهدیدات

مرحله چهارم، پیشران‌ها^۱ و شکل‌دهنده‌ها^۲ که بر مسیر رویدادها تأثیر گذاشته، دگرگونی‌های گوناگون را شکل می‌دهند و بر اساس دو معیار ذیل طبقه‌بندی می‌شوند، میزان اهمیت در بروز تهدیدات و میزان عدم قطعیت؛ عدم قطعیت‌های کلیدی،

1. Driving Forces
2. Shaper

موضوعاتی اند که می‌توانند مفروضاتی را که دستور برنامه راهبردی بر آن‌ها تکیه دارد و مسائل ناشی از آن بسیار غیر قطعی است را به‌طور اساسی تغییر دهند.

می‌توان در خلال جلسات خبرگی فهرستی از شگفتی‌سازها نیز تهیه نمود، چراکه ارائه تصاویری از آینده به برنامه‌ریزان بدون ارائه شگفتی‌سازهایی که عامل دگرگونی آینده به شمار می‌روند عملاً بی‌معنی خواهد بود. لیست شگفتی‌سازها نیز در مدیریت تهدیدات احتمالی و آمادگی برای وقوع آن‌ها موضوعی است که برای نظام‌های سیاسی بسیار مهم به شمار می‌آید.

مرحله پنجم، انتخاب منطق سناریوهاست، در این مرحله با پی‌گرفتن منطق علی بر اساس ماتریس حاصل از فعالیت رتبه‌بندی (وزن‌دهی) به ساختاردهی به سناریو پرداخته می‌شود.

مرحله ششم، شامل شکل‌گیری و توسعه سناریو است. باورپذیری از این مرحله به بعد، پیوسته با کمک مصاحبه فردی و گروهی خبرگان، مورد بازبینی قرار گرفته تا ساختار و روایی مناسبی بر سناریوها حاکم شود.

مرحله هفتم، بررسی مضامین سناریوها در جلسات خبرگی انجام می‌پذیرد. موضع اولیه از راه طرح پرسش‌هایی از این دست آزموده می‌شود؛ چه خواهیم کرد اگر این سناریو واقعیت پیدا کند؟

مرحله هشتم، زمان انتخاب «پیش‌نشانگرهاست^۱» پس از خلق سناریوها، وقوع هر نشانگر به حقیقت پیوستن یکی از سناریوها را اعلام می‌دارد. انجام این کار با کمک جلسات خبرگی صورت می‌پذیرد.

و سرانجام **مرحله نهم** که پیشنهاد این پژوهش است استفاده از «روش کوئست برای ارائه راهکارها» است؛ که طی آن برای تدوین راهکارها از خروجی پویش محیطی و سناریو با تکیه بر نظر خبرگان و در خلال جلسات خبرگی، استفاده می‌شود، روش «کوئست^۲» یا

1. Leading Indicators

2. QUEST (The Quick Environmental Scanning Technique)

پوشش محیطی سریع به گونه‌ای طراحی شده تا تغییرات و دلالت‌های دیده‌بانی برای تدوین راهبردها و سیاست‌ها کنار هم قرار گیرند، این از آن جهت است که تصمیم‌سازی بدون ارائه راهبرد منطقاً بدون فایده به نظر می‌رسد و اگر قرار است برنامه‌ریزی به اجرای اثربخش برنامه‌ها منتهی شود، ارائه راهبرد برای اجرای برنامه از الزامات می‌باشد.

روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی، نقطه تمرکز و هسته آینده‌پژوهی کاربردی است. همان‌گونه که نظریه‌پردازی‌ها، ساختارهای تازه‌ای از مفاهیم جاری را پدید می‌آورند، روش‌شناسی‌ها نیز افزایش نیروی فکری و کاربردی اندیشه‌ها و نظریه را به دنبال دارند (خزایی، ۱۳۹۲: ۱۵۹). روش‌شناسی در فلسفه علم، منطبق تحقیق اجتماعی است، به عبارت دیگر روش‌شناسی درگیر این سؤال است که چگونه ما معرفت و دانش خود را اعتباریابی می‌کنیم. در انتخاب روش‌شناسی این امکان وجود دارد که نوعی از روش‌شناسی به کار گرفته شود که با جهان اجتماعی همانند جهان طبیعی برخورد کند و آن را پدیده‌ای خشک، واقعی و مستقل از انسان در نظر بگیرد، درعین حال این امکان هم وجود دارد که برای جهان اجتماعی کیفیتی نرم‌تر، انسانی‌تر و ذهنی قائل شد (گیسون و مورگان، ۱۳۹۱: ۱۲). به نظر می‌رسد آینده‌پژوهان با وام گرفتن از مبانی پارادایمی پوزیتیویسم و پساپوزیتیویسم بر اندوخته‌های معرفتی و طبعاً روش‌شناختی خود افزوده‌اند و به قول وندل بل: «در میان تجربه‌گرایی، خردگرایی و شکاکیت جایی برای مبانی معرفتی خود در مباحث فلسفی یک‌صد سال اخیر باز کرده‌اند» (بل، ۱۳۹۲: ۳۸۱).

دبلیو وارن ویگار^۱ در مقاله خود تحت عنوان «آینده‌پردازی» بر این باور است که روش‌های آینده‌پژوهی در طیفی گسترده از روش‌های مبتنی بر ریاضیات پیشرفته تا روش‌های شهودی و گمانه‌زنی گسترده شده‌اند. باین‌حال وی از پنج روش‌شناسی رایج و پرکاربرد نام می‌برد که هم‌اینک بیش از دیگر روش‌ها به کار گرفته می‌شوند؛ برون‌یابی

روند، مدل‌سازی ریاضی، تکنیک دلفی، سناریوپردازی (می‌تواند تخیل علمی را نیز در بر بگیرد)، فن‌های پیش‌بینی (احتمال سنجی) (خزایی، ۱۳۹۲: ۵۴).

بنابراین اگر روش‌شناسی را درگیر این موضوع هم بدانیم که بهترین روش‌ها برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات به‌منظور نیل به مطلوب کدام‌اند، آنگاه روش‌هایی که با کمک آینده‌پژوهی به‌کار گرفته می‌شوند، ضمن ایجاد تنوع ابزار با هدایت محقق به‌سوی روشی کامل‌تر برای جمع‌آوری اطلاعات، تضمین بیشتری را برای موفقیت به همراه دارند و البته ارزش‌ها نیز در بطن روش‌های به‌کار گرفته لحاظ خواهند شد و این امر که در مطالعات امنیتی که هم در مقام جمع‌آوری و هم در مقام تحلیل اطلاعات بسیار مهم به شمار می‌آید قابل چشم‌پوشی نیست و مزیت بزرگی به شمار می‌رود. این تحقیق از نظر روش توصیفی-تحلیلی و به لحاظ رویکرد کیفی است. تحقیق توصیفی یکی از اساسی‌ترین اشکال تحقیق به شمار می‌رود که پدیده‌های موجود در دنیای ما را توصیف می‌کند. این توصیفات می‌توانند درباره اطلاعات پایه‌ای، فعالیت‌ها، رفتارها و تغییرات بنیادین پدیده‌ها باشند، از این منظر، تحقیق توصیفی مبتنی بر نظریه یا نتایج تحقیقات پیشین است (لیونبرگ و ابرای، ۱۳۹۰: ۶۰).

همچنین از نظر هدف توسعه‌ای است چراکه در عین حالی که به توسعه، بازبینی و بازشناسی مفاهیم در حوزه تهدیدات امنیتی پرداخته، برای اصلاح، بهبود و گسترش شیوه جدیدی از تفکر و برنامه‌ریزی با استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی و به‌طور اخص روش سناریونویسی کیفی GBN تلاش نموده و در آن کوشش شده تا با استفاده از مهارت‌ها، تکنیک‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی برای حل مشکل مورد بحث اقدام شود. در این پژوهش برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از روش‌شناسی کیفی استفاده شده است؛ در تحلیل کیفی نیز تحلیل محتوای کیفی متون مرتبط و ادبیات، مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

-ارتباط سناریوهای کیفی-شهودی با راهبرد نویسی و اهمیت آن در مطالعات امنیتی:
امروزه از سناریوها برای ارائه راهبرد نیز استفاده می‌شود که ابتداء آن بر پویای محیطی

(دیده‌بانی) است که در سناریونویسی کیفی انجام می‌پذیرد. اهمیت ارائه راهبرد در مطالعات امنیتی از آن جهت است که برنامه‌ریزی بدون در اختیار گذاشتن توصیه‌های راهبردی در عمل ناقص و درعین حال ارائه راهبرد و اجرای آن برای مدیریت تهدیدات و در نتیجه تداوم حیات سیستم ضروری است. سهم اصلی سناریوها در موفقیت آینده‌ی ما برای هر موضوعی و به‌ویژه در مدیریت تهدیدات به توانمندسازی در تبدیل عدم قطعیت به منبع برتری و مزیت بازمی‌گردد. سناریوها می‌توانند به ما در تعامل با عدم قطعیت (به‌جای شکست خوردن از آن) کمک کنند. مزایا و منافع تفکر و برنامه‌ریزی سناریویی با ملاحظه‌ی ویژگی‌های کلیدی داخلی این رویکرد در پرداختن به عدم قطعیت آشکارتر می‌شود:

- برای آغاز کار، سناریوها رویکردی ترکیبی درباره‌ی تفکر پیرامون محیط فراهم می‌سازند.
- سناریوها ما را به سمت درک بهتر پویایی تغییر که ما باید به آن پردازیم، رهنمون می‌شوند.

- با ارزیابی مسیرهای سناریوهای مختلف می‌توانیم نشانه‌های زمان‌بندی و ماهیت لحظات کلیدی تغییر نقاطی که سناریوها آینده‌های محتمل‌تر، با احتمال کمتر و نوپدید هستند را به دست آوریم.

- این واقعیت که ما در حال ارزیابی نتایج شماری از سناریوها به‌جای پیش‌نگری تک‌نقطه‌ای هستیم، بدان معنا است که ما دامنه‌ی کامل‌تری از فرصت‌ها و تهدیدها را در نظر می‌گیریم.

- با ارزیابی اهمیت مجموعه‌ای از سناریوها برای یک سازمان و سپس طرح دیدگاه «چه اتفاقی می‌افتد اگر...» در واقع آینده را شرح می‌دهیم و با برآورد آینده‌های مختلف و ابتکارهای هر مورد می‌توانیم با سرعت بیشتر به تغییرهای محیط در هنگام وقوع آنها پاسخ بگوییم.

- با توجه به آنکه سناریوها درک ما از نیروهای شکل‌دهنده به آینده را گسترش می‌بخشند، موجب افزایش توانایی ما در درک دامنه‌ی وسیع‌تری از گزینه‌های راهبردی می‌شوند که ممکن است آینده فراروی ما قرار دهد.

- سناریو پایه و اساسی منطقی برای پایش مستمر محیط و تنظیم راهبرد فراهم می‌سازد و البته راهبرد برآمده از برنامه‌ریزی سناریو بنیاد انعطاف‌پذیری و پایداری بیشتری را نشان می‌دهد زیرا:

- در مقابل مجموعه‌ای از سناریوها آزمایش می‌شوند و هر کدام مجموعه‌ای متفاوت از شرایط که راهبرد با آن‌ها برخورد می‌کند را ارائه می‌کنند.

- برنامه‌ریزی احتیاط‌آمیز موجب توسعه‌ی برنامه‌های اقدام مورد نیاز برای پاسخ‌گویی سریع به تهدیدها یا فرصت‌های ممکن پیش‌بینی شده نیست؛

- «نقاط محرک» برای تدوین برنامه‌های احتمالی به‌منظور پاسخ‌گویی سریع به تغییرات شرایط، خلق خواهند شد.

- برنامه‌ریزی سناریو بنیاد ارزیابی بهتر و جامع‌تری از ریسک‌ها، فرصت‌های ازدست‌رفته و مورد غفلت واقع‌شده یا افزایش تهدیدها، فراهم می‌آورد. در اینجا نیز برنامه‌ریزی احتمالی نقش حساس و مهمی را در آماده‌سازی پاسخ‌ها در برابر ریسک‌های پیش‌نگری‌شده در سناریوها بازی می‌کند (رالتون و ویلسون، ۱۳۸۹: ۲۳).

کاربرد سناریونویسی در مطالعات امنیتی

سؤال مهم اینکه چه هنگام از سناریوها باید به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزی راهبردی استفاده شود؟ پاسخ ساده به سؤال این است: «هنگامی که دلیلی وجود داشته باشد». هنگامی که میزان بالایی از عدم قطعیت در بافت تصمیم‌گیری وجود داشته باشد، دلیلی برای استفاده از سناریوها در فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی وجود دارد (لیندگرن و باند هول، ۱۳۸۶: ۴۱). این به آن معنی است که با توجه به عدم قطعیت‌های فراوان در محیط تصمیم‌گیری بیرونی مملو از تهدیدات و درعین‌حال پرآشوب، دلایل زیادی برای استفاده از روش‌های آینده‌پژوهی که با دیده‌بانی آغاز می‌شوند وجود دارد، به‌ویژه سناریونویسی که سرآمد روش‌های آن است. در توسعه راهبرد به‌واسطه سناریو، گروه سناریوسازی تمام سناریوها را با توجه به ارزش آن‌ها بدون قضاوت در مورد احتمالات و اهداف در نظر می‌گیرد. این مراحل عبارت‌اند از:

- شناسایی عناصر کلیدی یک راهبرد موفقیت‌آمیز با توجه به توصیف‌هایی که سناریو از عدم قطعیت‌ها و توصیف محیط آینده‌های بدیل در اختیار می‌گذارد.
- تحلیل هر سناریو برای تعیین مجموعه‌ی بهینه‌ی هر عنصر راهبرد مثلاً بهترین راهبرد برای سناریوی «الف» کدام است و برای سناریوی «ب» کدام است؟
- مرور و بازنگری مجموعه‌های سناریوهای خاص و ارزیابی بدیل‌های مختلف در برابر معیارهای مختلف تصمیم‌گیری؛
- ترکیب جذاب‌ترین راهبردهای بدیل در یک راهبرد کلی، انعطاف‌پذیر و هماهنگ‌شده (رالستون و ویلسون، ۱۳۸۹: ۸۳).

در مطالعات امنیتی شرایط تحقق و زمینه‌های بروز تهدید می‌تواند مورد واکاوی قرار گرفته و بر پایه تهدیدات محتمل نسبت به ارائه توصیه‌های راهبردی برای مدیریت تهدید اقدام نمود. به‌عنوان مثال در مورد واکاوی «سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی» که توسط نگارنده انجام پذیرفت؛ ابتدا عناصر کلیدی و پیشران‌های تهدیدات امنیتی پس از دیده‌بانی محیطی شامل مرور ادبیات، مصاحبه خبرگان، گروه کانونی و... در قالب گویه‌هایی با چارچوب STEEP شناسایی و دسته‌بندی و سپس بر اساس اهمیت و عدم قطعیت طبقه‌بندی و با توجه به عدم قطعیت‌های کلیدی مستخرجه، سناریوهای تهدیدات امنیتی مربوطه به رشته تحریر درآمده و سرانجام با توجه به آینده‌های توصیف‌شده، در پانل خبرگان و بعد از تحلیل روابط علی و بررسی منطق داستان نسبت به ارائه راهبردهای مقابله در صورت وقوع هر سناریو اقدام شد. جالب آنکه در ادامه با توجه به توصیف‌های ارائه‌شده و با استفاده از برنامه‌ریزی فرض‌بنیاد (A.B.P)^۱ و پس از استخراج فروض هر سناریو برای پابرجایی راهبردها می‌توان راهکارهایی را ارائه نمود تا هریک از فروضی که راهبرد بر آن بنا گردیده نقض نشده و یا در صورت نقض اقدامات بیمه‌کننده‌ای را که برای موفقیت برنامه

لازم الاجراست به اجرا درآورد و یا با استفاده از «چرخه‌های آینده»^۱ پیامدهای اولیه و ثانویه هر تصمیم را در قالب میزگردهای خبرگی به بحث و بررسی گذاشت تا به این وسیله از غافلگیری راهبردی جلوگیری شود و یا می‌توان با استقرار «E.S.W.S»^۲ سامانه هشدار راهبردی اولیه در حوزه یک تهدید خاص و یا دسته‌ای از تهدیدات، به شناسایی علائم ضعیف^۳ تهدیدات و ارائه هشدارهای لازم اقدام نمود. چنانچه پیش‌تر آمد یکی دیگر از روش‌هایی که در عمل برای تدوین راهکار با توجه به پوشش محیطی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، روش «کوئست»^۴ یا پوشش محیطی سریع است. روش پوشش محیطی سریع به‌گونه‌ای طراحی شده تا تغییرات و دلالت‌های آن را برای راهبردها و سیاست‌های سازمانی کنار هم قرار دهد. در این روش صاحب‌نظران دیدگاه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند تا درک مشترک از مسائل دارای اولویت، امکانات و پیشامدهای آینده را که برای سازمان پیامد دارند را ایجاد کنند. دستورالعمل شامل:

الف) تحلیلی جامع از محیط خارجی؛

ب) تحلیل و ارزیابی ظرفیت داخلی؛

ج) گزینه‌های راهبردی برای رویارویی با محیط خارجی است که در خلال آن سازمان می‌تواند هدف واقعی خود را در مورد تغییرات محیطی شفاف کند و نیز تفکر راهبردی را رواج دهد و شناختی از پویایی‌های تغییر ایجاد نماید (گلن، ۱۳۹۳: ۱۵۳). همچنین برای تدوین راهبردها پس از تدوین و توسعه سناریوها می‌توان با روش کوئست^۵ به ارزیابی و نگارش توصیه‌های راهبردی اقدام نمود که به نظر «اوبراین، رینگ لند و شوارتز»، راهبردهای مقاوم به آینده^۶ نام گرفته‌اند. (Rowe, 2017: 225). یک مطالعه موردی در مورد مشکلات احتمالی سامانه هشدار اولیه در آلمان برخی مشکلات توسعه راهبردها در سامانه‌های هشدار اولیه

1. Futures wheels

2. Early Strategic Warning System

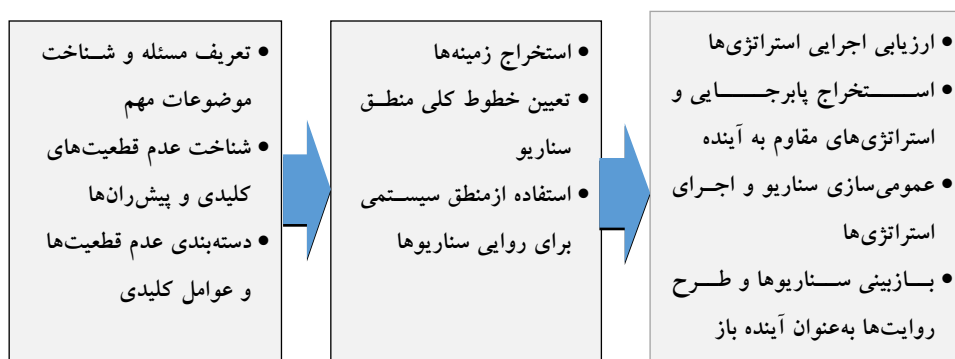
3. Weak Signal

4. Q.U.E.S.T (The Quick Environmental Scanning Technique)

5. Queek Environmental Scanning Technique

6. Future-Proof Strategie

(S.E.W.S) را «کمبود مشارکت کاربران، عدم درک ماهیت روندها، نیازهای متفاوت مشارکت‌کنندگان، عدم تعامل بین کاربران و عدم اشراف بر راهبردها» دانسته (Schwarz, 2014:2) که می‌توان آن را با تحلیل مناسب موضوع در خلال ذهن‌انگیزی (طوفان فکری) به شکل مناسبی مدیریت و اصلاح نمود. این‌ها تنها بخشی از توانمندی‌هایی روشی آینده‌پژوهی است که می‌تواند برای آینده‌ای بهتر مورد استفاده قرار گیرد.



شکل شماره ۲؛ فرآیند شهود منطقی؛ توسعه استراتژی به‌واسطه نگارش سناریو

منبع: Schwartz, (1996) (Adapted) from O'Brien et al. 2007; Ring land, 2006;

از آنجاکه فضای آینده قرین عدم قطعیت‌های متعدد است و از سوی دیگر تهدیدات محتمل، حیات یک نظام سیاسی را در مرکز اقدامات خود دارد، توجه به پیش‌بینی، شناخت و مدیریت این تهدیدات، امری حیاتی است. به همین دلیل شناخت آینده و تهدیدات محتمل در فضای توأم با عدم قطعیت آن و نیز راهکارهای مدیریت تهدیدات مورد نظر، امری ضروری است. بررسی ادبیات موضوع حاکی از آن است که اخیراً و با تکیه بر روش سناریو پژوهش‌هایی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و به‌ویژه در حوزه عربستان انجام پذیرفته که در نوع خود جالب توجه است؛ علی‌اکبر اسدی و سعید سمیعی، سناریوهای آینده

عربستان سعودی را با استفاده از تحلیل ساختاری تدوین نموده و در انتها نسبت به ارائه سناریوهای شیخ کبیر، شاب کفیل، طفل صغیر و ابن سبیل و توصیه‌هایی راهبردی در تعامل با عربستان و در ارتباط با چهار سناریوی تدوین شده اقدام نموده‌اند. سعادت آقاجانی و ابراهیم متقی، سناریوهای محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و راهبردهای کنش فعال آن را با کمک روش کیفی سناریونویسی GBN به رشته تحریر درآورده‌اند. محسن نوروزی، سید جواد امینی و رضا امیری مقدم، سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان سعودی را در افرق ۱۴۰۴ میلادی تدوین و در انتها به کمک روش کوئست راهبردهایی را ارائه نموده‌اند. همه موارد فوق نمونه‌هایی از کاربرست روش سناریونویسی برای مطالعات امنیتی است که انجام پذیرفته و می‌تواند به‌عنوان نمونه‌هایی مورد استفاده مراکز تصمیم‌گیری امنیتی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هنوز الگوی مناسبی برای تجزیه و تحلیل موضوعات امنیتی بر اساس رویکرد آینده‌پژوهانه تدوین نشده است؛ لیکن آینده‌پژوهی جعبه‌ابزار ارزشمندی را در اختیار می‌گذارد که هم برای شناخت و هم برای ساخت آینده مفید است. درعین حال تطبیق با محیط پرتنش و دائماً در حال تغییر امروز و تأمین منافع ملی مستلزم شناخت فضای توأم با عدم قطعیت و چالش‌زای آن است.

آینده‌پژوهی به‌مثابه توانمندسازی است که با کمک به شناخت تغییرات (علائم ضعیف تغییر) و تغییرسازها (پیشران‌ها و عوامل کلیدی مؤثر در شکل‌گیری آینده، شگفتی‌سازها) می‌تواند به درک بهتر محیط آینده و گشودن ذهن برای برنامه‌ریزی و اجرای آن کمک شایانی بنماید. در این بین تدوین سناریو از مهم‌ترین روش‌های آینده‌پژوهی است که خود جامعی از روش‌های آینده‌پژوهی نظیر گفتگوهای راهبردی، گروه کانونی، پانل خبرگی، دلفی، تحلیل روند و تحلیل‌های آماری و... است که از نظر افرادی همچون وندل بل ثمره آینده‌پژوهی به حساب می‌آید.

نگارش سناریو در روش کیفی GBN با محیط‌شناسی و دیده‌بانی آغاز و در خلال آن با طراحی یک سامانه دیده‌بانی، اطلاعات مورد نیاز برای نگارش سناریو جمع‌آوری و در انتها با توجه به محیط‌شناسی به توصیه‌های راهبردی و حتی ایجاد یک سامانه هشدار اولیه راهبردی (E.S.W.S)^۱ ختم شود.

مدیریت تهدیدات امنیتی مستلزم محیط‌شناسی و تفسیر علائم اولیه تغییر در لبه‌های آشوبی است که در خلال فعالیت‌های آینده‌پژوهی به‌تمامی به انجام می‌رسد. افزودن روش کوئست با ارائه توصیه‌های راهبردی و ایجاد سامانه هشدار راهبردی اولیه نیز بر مزیت‌های نگارش سناریو افزوده و به مدیران کمک می‌کند تا مدیریت تهدیدات را در زمان مناسب و به شیوه کامل‌تری به انجام برسانند؛ بنابراین توجه به دانش آینده‌پژوهی می‌تواند امنیت‌پژوهان را در شناخت عوامل تهدیدزا، پیشران‌های تهدید و مدیریت تهدیدات پیش از بروز آسیب‌های جدی یاری نماید.

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- افتخاری، اصغر و نصری، قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسلاوتر، ریچارد و همکاران (۱۳۸۶)، نواندیشی برای هزاره نوین، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- بل، وندل (۱۳۹۲)، مبانی آینده پژوهی، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- برادفیلد، رون (۱۳۸۶)، سناریوها برای کسب موفقیت، تسهیل فرآیند بسط سناریو: چند درس برای تسهیل‌گران، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- بیشاپ، پیتر، هاینز اندی و کالینز تری (۱۳۸۸)، وضعیت کنونی سناریونویسی و تکنیک‌های اجمالی آن، ترجمه مسعود منزوی، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی صنایع دفاعی.
- پدرام، عبدالرحیم و احمدیان، مهدی (۱۳۹۴)، آموزه‌ها و آزموده‌های آینده پژوهی، انتشارات موسسه افق آینده پژوهی، تهران.
- تریف، تری (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- چرماک، توماس جی (۱۳۹۳)، ترجمه سعید خزایی و مریم وکیل‌زاده، برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، اصفهان، انتشارات شاخص پژوه.
- خزایی، سعید و محمودزاده، امیر (۱۳۹۲)، آینده پژوهی، اصفهان، نشر پارس ضیاء شاخص پژوه،
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱) مکتب امنیتی امام خمینی (قدس سره الشریف)، مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- رالستون بیل، ویلسون ایان (۱۳۸۹)، راهنمای برنامه‌ریزی سناریویی راهبرد سازی در دوران عدم قطعیت، ترجمه مسعود منزوی، تهران، انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- زالی، نادر (۱۳۹۰)، آینده‌نگاری راهبردی و سیاست‌گذاری منطقه‌ای با رویکرد سناریونویسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۵۴، زمستان.
- زالی، نادر (۱۳۹۲)، آینده‌نگاری راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیهاک، جیمی بی و موزل، استیون ای (۱۳۸۹)، تحلیل سناریو، ترجمه مسعود منزوی، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.

- شوارتز، پیتر (۱۳۹۰)، هنر دورنگری، ترجمه عزیز علیزاده، تهران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی علوم و فنون دفاعی.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی، تهران، ابرار معاصر.
- عزیززاده، عزیز؛ وحیدی مطلق، وحید و امیر ناظمی (۱۳۸۷)، سناریونگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها، ناشر: مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- فولز، جیب و همکاران (۱۳۹۱)، دریچه‌ای به مطالعات آینده، دست‌نامه آینده‌پژوهی - خلاصه‌شده توسط مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۸۸)، انواع رئالیسم؛ خام و انتقادی، فصلنامه ذهن، شماره ۱۴، تهران.
- کورنیش ادوارد (۱۳۸۸)، ترجمه سیاوش ملک‌فر، آینده‌پژوهی پیشرفته، تهران، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- گلن، جروم سی و گوردون، تئودور جی (۱۳۹۳)، ترجمه مرضیه کیقبادی و فرخنده ملک‌فر، دانشنامه بزرگ روش‌های آینده‌پژوهی، تهران، انتشارات تیسرا.
- گیسون، بوریل و مورگان، گارت (۱۳۹۱)، نظریه‌های کلان جامعه‌شناختی و تجزیه‌وتحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، قم، انتشارات حوزه علمیه قم.
- لیونبرگ، فردریک و ایربای، بورلی (۱۳۹۰)، ترجمه وجه‌الله قربانی‌زاده روش‌های تحقیق و نگارش پایان‌نامه، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- لیندگرن، ماتس و باندهولد، هانس (۲۰۰۳)، ترجمه عزیز تاتاری، تهران، انتشارات مرکز آینده‌پژوهی وزارت دفاع.
- مایترز، دانا و رگرگودو (۱۳۸۸)، رویکردها و دیدگاه‌های مختلف در سناریو، تاریخ، تفاوت‌ها، مزایا و کمبودها، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، چهره متغیر امنیت ملی، تهران، ترجمه و انتشار پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مبینی، محمد (۱۳۹۷)، توسعه روش‌شناسی مطالعات امنیتی آینده، روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۴، شماره ۹۶، پاییز.
- ملک‌فر عقیل و همکاران (۱۳۸۵)، الفبای آینده‌پژوهی، تهران، انتشارات اندیشکده آصف
- وندرهدین، کیس و شارپ، بیل (۲۰۰۷)، سناریو برای کسب موفقیت، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

ب) منابع لاتین

- Ashley, Richard and R.B.J.Walker(1999). Introduction: Speaking the Language of Exilie European Journal of International Relations, Vol.5no.2
- E. Rowe, G. Wright and J. Derbyshire. (2017). Enhancing horizon scanning by utilizing pre-developed scenarios: Analysis, of current practice and specification of a process improvement to aid the, Identification of important ‘weak signals’.elsevier
- Huff Toby(1984), Max Weber & The Methodology of Social Science. US & uk Transaction Books.
- P Schwartz (1996) Crown Business,The art of the long view: planning for the future in an uncertain world